



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۹/۰۲/۱۳

وژمه فروغ

## به مسکو رفته گانی که دوحه می‌روند

در این چند روز، همه مردم مخصوصاً زنان و جوانان نگران اوضاع کشور هستند. آنانی که در رسانه‌ها کار می‌کنند، نگران کار رسانه‌ای تحت شعاع امارت طالبان و یا آنانی که روزی‌شان از هوتل‌های مجلل عروسی می‌آید، از نام امارت طالبانی به فکر روزهایی می‌روند که کابل را شهر مرده‌ها ساخته بودند و نام و نشان شادمانی و موسیقی در شهر نبود. زنان در خانه‌ها گور و مردان برای رهایی از دام امرالمعروف با کثیف‌ترین لباس‌ها بیرون می‌شدند چون فرد منظم و آراسته در سرک‌های کابل شلاق می‌خورد.

۱۷ سال گذشت. پیرهای آن زمان در گذشتند و نوجوانان با تغییرات بعد از ۲۰۰۱ برای خود زنده‌گی را روشنتر ساختند. به تحصیل و کار پرداختند و با دسترسی نسبی به تکنولوژی روز به جهان پیوستند. این جوانان زیر ۳۰ سال بالاتر از ۶۰ فی صد نفوس جامعه افغانی را تشکیل می‌دهند، مگر چرا صدای شان در تصامیم کلان کشوری شنیده نمی‌شود؟ در این چهار سال اخیر اکثریت کسانی که در نظام کنونی به منصب رسیدند کسانی‌اند که محصول همین ۱۸ سال گذشته شمرده می‌شوند. هر کدام شان در داخل و یا خارج کشور تحصیل کردند و دوباره برگشتند و به کار ادامه دادند.

حالات طالبان در سال‌های اخیر که زیاد تر محلات عامه و مردم عام ما را هدف قرار داده است، پیشرفت و انکشاف را تا حدی زیاد متاثر ساخت و جامعه هر روز با یک درد از دست دادن اعضای خانواده و دوستان عادت کرد. اما روند زنده‌گی در افغانستان جدید با تمام چالش‌های (مشکلات) آن دوام دارد و پیشرفت‌هایی را نیز همراه است. تقریباً همه ما می‌دانستیم که باید راه حل به شورش طالبان پیدا شود بعضی‌ها نظامی شدن را ترجیح دادند و بعضی‌ها در مورد جورآمد سیاسی گفتند. همین بود که حد اقل در ۹ سال گذشته اقدامات مختلف در مورد صلح و مصالحه صورت گرفت که از لویه جرگه مشورتی صلح گرفته تا ایجاد شورای عالی صلح و برنامه ادغام مجدد و تا پیشنهاد صلح به طالبان توسط حکومت وحدت ملی و آتش بس سه روزه تا ایجاد هیأت مذاکره‌کننده و بورد مشورتی صلح می‌توان نام برد. اما بعد از این که اداره جدید امریکا خروج از افغانستان را اعلام کرد و برای خروج خود روند مذاکرات مستقیم را با دفتر سیاسی طالبان در قطر تسریع بخشید، ابهامات را برای نسل من که هم زنان و مردان و جوانان هر دو گروه است زیادتیر ساخته است.

در عین زمان اوضاع سیاسی کشور با دگرگونی‌ها مواجه است. سیاسیون و آن‌هایی که تا چند ماه جزء حکومت وحدت ملی بودند و برای انتخابات ریاست جمهوری راه جدا کردند و به مخالف سیاسی بدل شدند مذاکرات مستقیم امریکا را با طالبان برای بقای خود بهترین گزینه یافتند تا هم به گفته خودشان آدر آینده سیاسی کشور مطرح باشند و هم بتوانند در صورت آمدن امارت طالبان به دایره قدرت با خطری مواجه نشوند. همان بود که کسانی که با طالبان عملاً در جنگ بودند و یا از لحاظ عقیدتی حکومت را متهم به سیاست طالبانی می‌کردند و با روند صلح مخالف بودند نیز خودشان را به دامن عباس استانکزی انداختند و به امامت طالبان سجده هم کردند. اما مردم افغانستان چی می‌گویند؟ بالاتر از نصف جامعه با فقر دست و پنجه نرم می‌کنند و هر روز برای یافتن دو وقت روزی برای خود و خانواده مبارزه دارند و گاهی هم اگر برق بود و چهره‌های سیاسی را در تلویزیون‌های شان می‌بینند با چند دشنام، مسوولیت شهروندی‌شان را انجام می‌دهند و صبح دوباره مصروف روزگار می‌شوند. اما تعدادی جوانان و زنان کشور خاموش نیستند حتا که صدای شان بلند شنیده هم نمی‌شوند. هر روز از رسانه‌ها و دیگر مجراها نگرانی‌های شان را مطرح می‌سازند و مخصوصاً در یک ماه گذشته این صداها منسجم‌تر شده است. زنان افغان کمپاین ملی و بین‌المللی را به نام زنان به عقب نمی‌روند آغاز کرده‌اند توجه دنیا را نیز جلب کرده است. تعدادی از سناتورهای امریکایی از وزارت خارجه آن کشور خواستند که باید به نظریات و سهم زنان در مذاکرات احترام قایل شوند و این مبارزات جریان دارد.

در عین حال رسانه‌های اجتماعی با وجود دسترسی محدود آن در افغانستان برای صدای این گروه‌ها وسیله خوبی است. نظر سنجی‌ها و ابراز نظرها و مقاله نویسی‌ها دوام دارد و همه در تلاش‌اند تا صدای شان را به

د پانو شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رایرلو مخکې په خیر و لولئ

جایی برسانند. از نشست مسکو تا حال نظریات بالاتر از ده‌ها هزار افغان را که از مجراهای مختلف تعقیب کرده‌ام، پیام‌های ذیل را برای سیاسیون کشور دارند:

گروه طالبان جزء حقیقت افغانستان است، همه آن‌ها نباید برای این که آنان را خوش بسازید صدای میلیون‌ها افغان را نادیده بگیرید. طالبان شاید از ۱۰-۱۵ فی‌صد بالاتر حمایت مردم را ندارند و اگر با آن‌ها جور آمد می‌کنید باید آن‌ها با جامعه‌ی امروزی ما هم خوانی کنند.

افغانستان را به دهه ۹۰ نکشانید. همه شاهد هستیم که انارشسیسم و نابسامی‌ها و نبود نظام باعث شد که افغانستان را ویران کنند و کابل شهری که هر پارچه آن توسط یک گروه نژادی کنترل می‌شد هنوز هم در افکار ما زنده است. اردوی کشور را نابود کردند و همه دارایی بیت‌المال و دارایی‌های مردم به تاراج رفت، میلیون‌ها افغان یا آواره شد و یا شهید شدند، نظام را تقویت کنید. ساختارهایی که در ۱۸ سال به میان آمد، نباید از هم پاشانده شوند. برای مخالفت‌های تان با رییس جمهور، نظام را متضرر نسازید. انتخابات و قانون اساسی کشور با خون و قربانی‌های مردم ما به دست آمده است و برای بهتر ساختن آن کار کنید.

نگذارید که در کتاب‌های تاریخ که نسل‌های آینده ما در کمپ‌های مهاجرین بخوانند به هر کدام تان بدتر از شاه شجاع لعنت بفرستند.

با تشکر از روزنامه هشت صبح